**میهمانى الهى به چه معناست؟**

ویژگى برجسته‏‌ای كه در فضاى ماه با فضیلت رمضان جلوه‏گر است، وجود زمینه‏ها و ظرفیت‏هایى است كه براى میهمانى خداى سبحان فراهم آمده‏اند، آنگونه كه پیامبر خدا در توصیف این ویژگى فرمود:

"هُوَ شَهرٌ دُعیتُم فیهِ إلى ضِیافَةِ اللهِ، وَ جُعِلتُم فیهِ مِن أهلِ كَرامَةِ اللهِ؛ **ماهى است كه در آن به میهمانى خدا دعوت گشته‏اید و از اهل كرامت خدا قرار داده شده‏اید.**

در حقیقت، این ویژگى، سرچشمه همه ویژگى‏ها و بركات این ماه مبارك است. به عبارت دیگر، مى‏توان گفت كه میهمانى الهى در این مقطع زمانى، و غذاهاى معنوى ویژه‏اى كه خداوند براى پذیرایى از میهمانانش در چنین ضیافتى فراهم ساخته است، ریشه تحوّلات ژرف معنوى‏اى است كه در این ماه با فضیلت، بر زندگى انسان سایه مى‏افكنند، و سفره‏اى است گسترده براى همگان كه هر كس، مى‏تواند از بركات بى‏شمار آن برخوردار شود.

**معناى میهمانى خدا**

نخستین سؤالى كه در اینجا مطرح می‌شود، معناى میهمانى خداى سبحان در این ماه و میزبانى او از دوستانش است. مگر همه مردم در همه اوقات، میهمانان خدا نیستند كه بر سر سفره الهى فرود آمده‏اند؟

به علاوه، پایه میهمانى، همان خوردنى و آشامیدنى‏اى است كه میزبان براى میهمان فراهم مى‏كند . پس، این چه ضیافتى است كه پرهیز از خوردن و آشامیدن، نخستین شرط آن است؟

پاسخ این سؤال، از تحلیل واقع‏بینانه حقیقت انسان و شناخت بنیادهاى وجودى او به دست مى‏آید . انسان از نگاه اسلام، تركیبى از جسم و جان است. همانگونه كه جسم انسان براى تداوم وجود خویش نیازمند غذاهاى مادّى است، هویّت و حقیقت انسانىِ او نیز نیازمند غذاهاى معنوى از سنخ خود است.روشن است كه خداوند سبحان، میهمانى رمضان را براى پذیرایى از جسم و وجود مادّىِ دوستانش فراهم نساخته است؛ چرا كه بدن‏هاى آنان، مثل همگان، در ضیافت همیشگى خدایند،

و به تعبیر سعدى شیرازى:

ادیم زمین، سفره عام اوست چه دشمن بر این خوان یغما، چه دوست(1)

این در حالى است كه اغلب دشمنان خدا از این سفره گسترده، بیش از دیگران بهره مى‏برند. نتیجه، این كه: ارزش پذیرایى از جسم و تأمین خواسته‏هاى مادّى، هرگز به پاى تأمین نیازهاى معنوى نمى‏رسد، به خصوص كه قرآن كریم تصریح مى‏كند: اگر بیم آن نبود كه همه مردم به كفر بگروند، كافر به بالاترین امكانات مادّى، نایل مى‏شد:

«وَ لَوْ لاَ أَن یَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَن یَكْفُرُ بِالرَّحْمَـنِ لِبُیُوتِهِمْ سُقُفًا مِّن فِضَّةٍ وَ مَعَارِجَ عَلَیْهَا یَظْهَرُونَ \* وَ لِبُیُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَ سُرُرًا عَلَیْهَا یَتَّكِـئونَ \* وَ زُخْرُفًا وَ إِن كُلُّ ذَ لِكَ لَمَّا مَتَـعُ الْحَیَوةِ الدُّنْیَا وَ الْأَخِرَةُ عِندَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِینَ»(2)؛ اگر بیم آن نبود كه مردم (در، گمراهى) امّتِ واحد شوند، براى خانه‏هاى كسانى كه به خداوندْ كافر مى‏شوند، سقف‏هایى از نقره و نردبان‏هایى قرار مى‏دادیم كه از آن بالا بروند\* و براى خانه‏هایشان درها و تخت‏هایى كه بر آن تكیه زنند، قرار مى‏دادیم \* و [نیز] انواع زیورها را . همانا همه اینها كالاى زندگى دنیایى است و سراى آخرت نزد پروردگارت براى تقواپیشگان است.

در حدیثی از پیامبر اكرم صلى‏الله‏علیه‏و‏آله نیز آمده است:

«لَو أنَّ الدُّنیا كانَت تَعدِلُ عِندَ الله‏ِ عز و جل جَناحَ بَعُوضَةٍ، ما سَقَى الكافِرَ، وَ الفاجِرَ مِنها شَربَةً مِن ماءٍ (3)؛ **اگر نبود این كه دنیا در نزد خدا برابر با بال پشه‏اى هم نیست، هرگز در آن، یك جرعه آب نیز به كافر و فاجر نمى‏نوشاند!**

خداى متعال در میهمان‏سراى رمضان، جان‏ها و روح‏هاى دوستانش را به ضیافت فرا خوانده است، نه بدن‏ها و وجود مادّى آنان را، و این، ضیافتى است كه جز او، كسى ارزش آن را نمى‏داند. از این رو خداى سبحان فرموده است:

«الصَّومُ لى وَ أنَا أجزى بِهِ ؛ روزه، از آنِ من است و من خود، پاداش آن را مى‏دهم .

از سوى دیگر، **شرایط و آداب این میهمانى، باید هماهنگ با ضیافت جان باشد و طعام و نوشیدنى آن، هماهنگ با ضیافت روح و هدف از آن نیز پدید آوردن تحوّل روحى و تجدید حیات معنوى انسان و تقویت بنیه روانى او .**

در این زمینه، عالم ربّانى مرحوم شیخ رضا (فرزند فقیه و فیلسوف و عارف بزرگوار، شیخ محمّدحسین اصفهانى) در الرسالة المجدیّة در شرح این سخن پیامبر اكرم (صلى‏الله‏علیه‏و‏آله) كه: «در این ماه، به میهمانى الهى دعوت گشته‏اید و از اهل كرامت الهى قرار داده شده‏اید»، چه زیبا نوشته است كه:

بدان! این میهمانى، پذیرایى از جسم نیست و بدن تو به این میهمانى دعوت نشده است؛ چرا كه تو در ماه رمضان، در همان خانه‏اى ساكن هستى كه در ماه شعبان ساكن بودى و غذاى تو، همان نان و آب‏گوشتى است كه در ماه‏هاى دیگر سال مى‏خوردى، [با این تفاوت كه] در روزهاى این ماه، از خوردن آن منع شده‏اى؛ بلكه روح توست كه میهمان این ضیافت است و به منزل و غذایى دیگر دعوت شده است كه روحانى و هماهنگ با روح است .

دعوت به ماه رمضان، دعوت به بهشت است و غذاهاى این میهمانى نیز از نوع غذاهاى بهشتى است. هر دو، میهمان خانه خدایند؛ لیكن نام میهمان‏سرا در این جا «ماه رمضان» است و نامش در آنجا «غرفه‏هاى بهشتى». اینجا غیب است و آنجا مشهود و عیان؛ اینجا تسبیح و تهلیل است و آنجا چشمه سلسبیل؛ اینجا نعمت‏هاى پوشیده و اندوخته هستند و آنجا «میوه‏اى از آنچه برمى‏گزینند \* و گوشت بریان پرنده‏اى كه میل دارند»(4)

پس نعمت‏ها در هر جهان با پوشش همان جهان، آشكار مى‏شوند و گاهى هم هست كه نعمت‏ها در همین دنیا براى پیامبران و معصومان، به شكل آن جهانى، آشكار مى‏شوند. آنچه در روایات بسیارى آمده كه: پیامبر خدا براى فاطمه زهرا (علیهاالسلام) یا امام حسن و امام حسین (علیهماالسلام) میوه‏اى از میوه‏هاى بهشت یا جامه‏اى از جامه‏هاى بهشت آورد، گواه این مطلب است . بلكه بالاتر از این، گاهى این امور براى شیعیان خاص نیز فراهم مى‏آید، البتّه به تناسب وسعت وجود و مرتبه‏اى از كمال كه به آن رسیده‏اند. بارها و بارها از نزدیك‏ترین خویشانِ سببى و نسبى خود به نظر مى‏رسد كه مقصود وى، پدر بزرگوارش شیخ محمّدحسین اصفهانى (كُمپانى) باشد. شنیده‏ام كه مى‏گفت:

«در یكى از روزهاى ماه رمضان، مشغول خواندن زیارت "امین الله‏" در مرقد امیرمؤمنان در نجف بودم . چون به این عبارتِ زیارت رسیدم كه: «مائده‏هاى رحمت براى آنانى كه از خوان نعمتت روزى مى‏طلبند، آماده است و سرچشمه‏هاى سیرابى براى تشنگان، پُر آب است»، در همان حال كه در معناى آن تأمّل و اندیشه مى‏كردم، ناگهان سفره‏اى برایم آشكار شد كه طعام‏ها و نوشیدنى‏هاى گوناگون بر آن چیده شده بود، آن چنان كه تا آن زمان، تصوّرش را هم نكرده بودم. من مشغول خوردن از غذاى آن بودم و در همان حال به یك مسئله فقهى نیز مى‏اندیشیدم . حالتى شگفت و دهشت‏زا بود! در واقع، حقیقت غذا [ى روح]، همین است كه روزه را باطل نمى‏كند ... .»

**شراب طهور در زندگى دنیا، محبّت خداست و بهترین زمانی كه براى فراهم ساختن آن مغتنم است، همین ضیافتى است كه ساقى‏اش، همان میزبانش است .**

هرگز مپندار كه تعبیرات این بنده، خیالات و اوهام شاعران یا شطحیّات صوفیان افراطى است . هرگز مباد كه از زبان قرآن و حدیث، فراتر روم یا در اعتقاداتم از آنچه خداوند و پیامبر (صلى‏الله‏علیه‏و‏آله) گفته و به آن فرمان داده‏اند، پیش‏تر روم؛ بلكه مقصود، سخنِ همان خدایى است كه در سوره «هل أتى» مى‏فرماید: «خداوند به آنان شراب طهور مى‏نوشاند.» (5)

**پی‌نوشت‌ها:**

1- بوستان سعدی، ص 3 .

2- الزخرف ، آیه 33 ـ 35 .

3- الأمالى، طوسى، 531 / 1162، مكارم الأخلاق: 2/368/2661، تنبیه الخواطر: 2/56، تحف العقول:40، الأمالى، صدوق: 305/348، التمحیص: 49/79؛ سنن الترمذى: 4/560/2320، المستدرك على الصحیحین: 4/342/7848، كنز العمّال: 3/195/6132 .

4- واقعه، آیه20 و 21 .

5- اشاره ‏است به حدیث ‏امام ‏صادق (علیه‏السلام) در مورد آیه‏ مذكور، كه فرمود: «آنان را از هر چیزى جز خدا پاك مى‏سازد؛ چرا كه هر كس به چیزى از موجودات، آلوده گردد، پاك نیست، مگر به خداى متعال.» مجمع البیان:10/623. جامع الدرر (نوشته عالم ربانى و استاد اخلاق حجة الاسلام والمسلمین حاج سیدحسین فاطمى رضوان الله‏ تعالى علیه) : 335 ـ 337 به نقل از رساله مجدیّه.

**منبع**:

كتاب ماه خدا، محمدی ری شهری، ج 1.